

# امنیت صادرات نفت خام از تنگه هرمز عاملی درونزا یا برونزا

بهروز بیک علی زاده

تحلیلگر ارشد بازار نفت - وزارت نفت، balizadeh@nioc.org

استفاده می‌شود. پایانه ینبع در مقایسه با پایانه رأس‌التنوره از ارجحیت اقتصادی کمتری برخوردار است چرا که مسیر کشتیرانی از ینبع و از طریق تنگه «باب‌المنذب» به سمت آسیا ۵ روز طولانی‌تر است. بنابراین عربستان ترجیح می‌دهد که از این پایانه برای صادرات نفت خام خود استفاده نکند. به هر حال چنانچه در صورت ضرورت، عربستان سعودی ناچار شود که از این خط لوله به طور کامل بهره‌برداری کند ظرفیت آن فقط ۲/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود. البته مطالعه‌ای که در سال ۱۹۹۷ توسط موسسه بیکر انجام شد، نشان می‌دهد که ظرفیت این خط لوله را می‌توان با استفاده از مواد کاهش‌دهنده کشش و چسبندگی و یا افزایش قدرت پمپاژ حتی به دو برابر افزایش داد که چنین اقدامی می‌تواند ارزش استراتژیک این خط لوله را افزایش دهد.

جدول ۱- صادرات نفت خام کشورهای منطقه خلیج فارس  
در سال ۲۰۰۶

نام کشور	صادرات نفت خام - هزار بشکه در روز
عربستان سعودی	۷۲۰۰
قطر	۲۶۰۰
امارات	۲۲۰۰
کویت	۱۶۰۰
عراق	۱۵۰۰
عمان	۵۷۰
جمع	۱۶۴۰۰

عراق نیز مالک دو خط لوله است که می‌تواند نفت خام صادراتی این کشور را به بازارهایی خارج از منطقه خلیج فارس منتقل کند. خط لوله اول با ظرفیت اسمی یک میلیون بشکه در روز میادین نفتی منطقه کرکوک

در جهان نفت منطقه خلیج فارس و تنگه هرمز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. این جایگاه به هیچ روی قابل چشم‌پوشی نیست. در سال ۲۰۰۶ حجم نفت خام عبوری از تنگه هرمز به ۱۶/۳۱ میلیون بشکه در روز رسید که حاصل تولید هفت کشور عربستان، قطر، ایران، امارات، کویت، عراق و عمان بود (جدول ۱). علاوه بر آن باید ۲ میلیون بشکه در روز صادرات فرآورده و ۳۱ میلیون تن در سال صادرات LNG قطر به مقدار فوق اضافه شود. بطور تقریبی ژاپن ۷۵ درصد، چین ۴۵ درصد، کره جنوبی ۷۱ درصد، تایلند ۸۰ درصد و فیلیپین ۹۰ درصد از واردات نفت خام مورد نیاز خود را از خلیج فارس وارد می‌کنند.

خلیج فارس، منطقه‌ای بسته محسوب می‌گردد و فرآورده‌ای که در کشورهای منطقه تولید می‌شود، مسیری به جز عبور از تنگه هرمز در اختیار ندارند.

بررسی خطوط لوله منطقه نیز همین ادعا را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد که در آینده قابل پیش‌بینی بخش عمده نفت خام‌های تولید شده در این منطقه باید برای رسیدن به بازارهای جهانی کماکان از مسیر تنگه هرمز عبور کند.

در عربستان دو خط لوله وجود دارد که می‌تواند تنگه هرمز را دور بزنند. خط لوله اول به نام «ترانس عربیا» از بندر رأس‌التنوره در خلیج فارس به مقاصد اردن-سوریه و نهایتاً لبنان امتداد دارد. ظرفیت اسمی این خط لوله ۵۰۰ هزار بشکه در روز است اما هیچگاه بیش از ۱۰ الی ۱۲ درصد از ظرفیت آن مورد استفاده قرار نگرفته است. بخش لبنانی این خط لوله در سال ۱۹۸۳ تعطیل و بخش اردنی آن نیز در سال ۱۹۹۰ به دلیل حمایت اردن از عراق در جنگ خلیج فارس تعطیل شد. خط لوله دوم نیز «رأس‌التنوره» را به بندر «ینبع» در حاشیه دریای سرخ متصل می‌سازد و از آن عمدتاً برای رساندن نفت خام‌های سبک و بسیار سبک به پالایشگاه‌های غرب کشور و همچنین انتقال این نفت خام‌ها برای صادرات به اروپا

قابل تأمین است و چنانچه صادرات نفت خام هر کدام از کشورهایی که در این منطقه قرار دارند به خطر افتد، امنیت صادرات سایر صادرکنندگان نفت نیز دچار مخاطره خواهد شد و با توجه به بسته بودن منطقه، امنیت عرضه کشورهای مصرف کننده نفت که از واردات نفت خام خلیج فارس بهره‌مند می‌شوند نیز به خطر خواهد افتاد.

طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل وزن مهمی که در منطقه دارد، نقش اساسی در تدوین نظام امنیتی خلیج فارس خواهد داشت. و هر عاملی که امنیت صادرات نفت خام جمهوری اسلامی ایران را تهدید کند و یا آن را نادیده بگیرد، مخاطره‌ای برای امنیت عرضه نفت و صادرات آن از خلیج فارس خواهد بود.

در عین حال، سیاست‌گذاران نفتی کشور نیز می‌توانند این موضوع را مورد توجه قرار دهند که ایران می‌بایست برای حفظ موقعیت استراتژیک خود، گستره اقتصادی بیشتری را در خلیج فارس با خود همراه کند. به عبارت دیگر اگر ایران بتواند سوآپ نفت خام و فرآورده بیشتری را از کشورهای آسیای میانه به سمت خلیج فارس بر عهده گیرد، علاوه بر آنکه وابستگی جهان به خلیج فارس را افزایش خواهد داد، هزینه جایگزینی تنگه هرمز را نیز بالاتر خواهد برد. اقتصاد کشورهای آسیای میانه نیز به این گذرگاه آبی ارتباط پیدا خواهد کرد. بنابراین عبور حامل‌های انرژی منطقه آسیای میانه از طریق ایران برای امنیت ملی و سیاست خارجی کشورمان اهمیت ویژه‌ای دارد و یکی از موضوعاتی است که در برنامه‌ریزی بلندمدت سیاست‌های نفتی کشورمان قابل طرح و بررسی است.

اما واقعیت این است که جمهوری اسلامی ایران نیز ناگزیر است نفت خود را از طریق خلیج فارس و تنگه هرمز صادر کند بنابراین هرگونه مخاطره‌ای برای این منطقه، ایران را نیز دچار مشکل خواهد ساخت و لذا ضروری است که جمهوری اسلامی ایران نیز در صدد یافتن جایگزین‌هایی برای تنگه هرمز باشد. به عنوان مثال استفاده از سواحل دریای عمان می‌تواند مزیت برخورداری از سواحل طولانی آبی کشورمان را در سیاست‌گذاری‌های نفتی متبلور سازد. و مسیر دیگری را برای صادرات نفت خام در اختیارمان قرار دهد.

### منابع فارسی:

- ۱ - بهروز بیک علیزاده، عربستان سعودی، مجموعه گزارش کشوری انرژی، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، وزارت نفت، تهران، ۱۳۸۵
- ۲ - بریتو و شیشینسکی، "جایگزینی برای تنگه هرمز" ترجمه و تحلیل: بهروز بیک علیزاده، نشریه تحولات بازار نفت، شماره ۱۰، موسسه مطالعات بین‌المللی انرژی، وزارت نفت، تهران، ۱۳۷۸.

### منابع لاتین:

- 1- PIPELINE DREAMS AVIOD THE HORMUZ STRAITS, OVM, VIENNA, 2007
- 2- OIL MARKET REPORT, IEA, MAY, 2007
- 3- REUTERS, 2007

را از طریق ترکیه به بندر سیهان در ساحل مدیترانه متصل می‌سازد. این خط لوله که همواره در معرض خرابکاری قرار دارد به دلیل مشکلات فنی و انفجارهای پی در پی توسط مخالفین (چه در خاک عراق و چه در خاک ترکیه) به شدت آسیب دیده و در حال حاضر ظرفیت آن نمی‌تواند از ۳۰۰ هزار بشکه در روز فراتر رود. خط لوله دیگر که از قدیمی‌ترین خطوط لوله منطقه است نیز می‌تواند نفت خام عراق را به سواحل مدیترانه ای سوریه برساند. هر چند ظرفیت اولیه این خط لوله ۷۰۰ هزار بشکه در روز بوده است اما در حال حاضر بسیار کهنه و فرسوده بوده و به دلیل مشکلات فنی در آوریل ۲۰۰۷ فقط ۱۰ هزار بشکه در روز نفت خام از آن صادر شده است.

شرکت بین‌المللی سرمایه‌گذاری ابوظبی (IPIC) در ماه آوریل ۲۰۰۷ قرارداد پروژه مدیریت ساخت خط لوله‌ای را با شرکت آلمانی (ILF) امضا کرد که قرار است میادین نفتی "هابشان" را به فجیره در دریا عمان متصل سازد. طول این خط لوله ۳۶۰ کیلومتر و ظرفیت آن ۱/۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود و قرار است ۵۰۰ هزار بشکه در روز از نفت خام انتقالی توسط این خط لوله به پالایشگاهی که در فجیره ساخته خواهد شد، تحویل داده شود.

ساخت خط لوله دیگری نیز به طول ۲۴۰۰ کیلومتر مطرح شده است که از کشورهای عراق، عربستان، امارات، کویت و عمان عبور خواهد کرد و ظرفیت آن ۵ میلیون بشکه در روز خواهد بود. البته ساخت چنین خط لوله‌ای با ریسک‌ها و مخاطرات متعددی رو به رو است. دستیابی به توافق در مورد ساخت این خط لوله بین پنج کشور یاد شده به سختی امکان‌پذیر است. علاوه بر آن، این خط لوله در مقابل اقدامات خرابکارانه به شدت آسیب‌پذیر خواهد بود. عبور دادن این خط لوله از زیرزمین برای جلوگیری از احتمال خرابکاری نیز هزینه آن را به شدت افزایش خواهد داد.

امضای قرارداد مذکور توسط امارات سؤال‌های اساسی را در بازار نفت مطرح ساخته است. تحلیل‌گران نفتی می‌پرسند آیا قرار است از سلاح نفت در منطقه خلیج فارس استفاده شود؟ و آیا خطری صادرات نفت خام از خلیج فارس و تنگه هرمز را تهدید می‌کند؟

در تاریخ بیست و سوم ماه مه ۲۰۰۷ تعداد ۹ ناو جنگی آمریکا وارد خلیج فارس شدند. فرمانده این عملیات گفت: حرکت ناوهای جنگی به سمت این منطقه در چارچوب تلاش بلندمدت آمریکا برای اطمینان دادن به متحدان این کشور در مورد امنیت خلیج فارس است. او گفت همواره اقدامات دولتها و یا دیگران ممکن است باعث بسته شدن یکی از تنگه‌های بین‌المللی شود که در این میان تنگه هرمز یکی از مهمترین آنها است. ناوهای جنگی آمریکا که به خلیج فارس وارد شده‌اند ۱۷ هزار نیرو و ۱۴۰ جت جنگی را حمل می‌کنند. انتقال ناوهای جنگی آمریکا به خلیج فارس کمتر از دو هفته بعد از آن انجام شد که «دیک چنی» معاون رئیس‌جمهور این کشور در جریان بازدیدش از نیروهای آمریکا در خلیج فارس اظهار داشت که: آمریکا همراه با سایر متحدانش از دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و تسلط به منطقه جلوگیری خواهد کرد.

از زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، این بزرگترین حضور نظامی ناوهای آمریکایی در خلیج فارس می‌باشد. حرکت ناوهای آمریکایی باعث نگرانی بازار نفت شد و به افزایش قیمت‌های نفت کمک کرد.

ناظران سیاسی و تحلیلگران نفت معتقدند حضور ناوهای جنگی آمریکایی و یا تلاش برای دور زدن تنگه هرمز با احداث خط لوله‌های جدید، نه تنها امنیت این منطقه را افزایش نخواهد داد بلکه باعث بوجود آمدن جو عدم اطمینان بین کشورهای منطقه خواهد شد. بدیهی است امنیت صادرات نفت از خلیج فارس تنها به وسیله کشورهای این منطقه